

پدیدارشناسی هنر و ادبیات

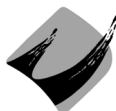
هوسرل، هایدگر، سارتر

سرشناسه: مصطفوی، شمس‌الملوک، ۱۳۳۷-
عنوان و نام پدیدآور: پدیدارشناسی هنر و ادبیات؛ هوسرل، هایدگر، سارتر/
شمس‌الملوک مصطفوی
مشخصات نشر: تهران: نشر کرگدن، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری: ۲۳۶ ص
شابک: 978-622-7765-74-8
موضوع: هوسرل، ادموند، ۱۸۵۹-۱۹۳۸ م. -- نقد و تفسیر
موضوع: هایدگر، مارتین، ۱۸۸۹-۱۹۷۶ م. -- نقد و تفسیر
موضوع: سارتر، ژان پل، ۱۹۰۵-۱۹۸۰ م. -- نقد و تفسیر
موضوع: پدیده‌شناسی؛ پدیده‌شناسی در ادبیات؛ آگزیستانسیالیسم در ادبیات؛
هرمنوتیک
رده‌بندی کنگره: B۸۲۹/۵
رده‌بندی دیویی: ۱۴۲/۷
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۲۵۴۱۶۷

پدیدارشناسی هنر و ادبیات

هوسرل، هایدگر، سارتر

شمس الملوك مصطفى



نشر کردن

همه حقوق برای نشر کرگدن محفوظ است.
www.kargadanpub.com
telegram.me/kargadanpub
instagram.com/kargadan.pub



مجموعه هنرشناسی - ۵

دبیر مجموعه: محسن کرمی

پدیدارشناسی هنر و ادبیات؛ هوسرل، هایدگر، سارتر

نویسنده: شمس الملوک مصطفوی (هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال)

مدیر هنری: سحر ترهنده

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: زعفران

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۶۵-۷۴-۸

چاپ اول: ۱۴۰۲

تیراژ: ۷۰۰ نسخه

تقدیم به شیفتگان و جست‌وجوگران دانش و دانایی
کسانی که نورانیت وجودشان، در این شب عسرت عالم،
راه آسمان «معرفت» را می‌گشاید.

سرودن و اندیشیدن
شاخه‌های هم‌جوار شعرند
آنها از وجود می‌رویند
و به حقیقت وجود می‌رسند.

- هایدگر

یادداشت دبیر مجموعه

هنر چیست؟ چه نسبتی با زیبایی، به فراخ دامنه‌ترین معنای آن، دارد؟ آیا اصلاً می‌شود تعریفش کرد؟ خود این زیبایی چیست؟ کیفیتِ شیء است یا کیفیتِ نگرنده‌ی در شیء؟ کیفیتِ افسون‌کننده و فریبا است یا کیفیتِ پیوسته با راستی و نیکی؟ آیا راز هنر در همین زیبایی است، یا، چنان که برخی مدعی شده‌اند، پای چیز دیگری در میان است؟ چه چیزی در هنر هست که پاره‌ای از ما را چنین شیفته و مسحور خود می‌سازد؟ چیست آن آن بیان‌ناشدنی که شوریدگان هنر در طلبش می‌سوزند و می‌گدازند؟ و چگونه است که همین هنر بر پاره‌ای دیگر از ما آدمیان کار نمی‌کند و اثر نمی‌نهد؟

آیا، به همان اندازه که سودائیانِ عالمش می‌گویند، هنر از ضروریات حیات انسانی است؟ یا، چنان که دیگرانی متعزّض شده‌اند، از امور غیرضرور و تجملی زندگی است؟ ارزش هنر تا چه اندازه است و از کجا است؟ آیا ارزش هنر منحصر در وجه زیبایی‌شناختی آن است، یا اینکه می‌توان ارزش‌های دیگری - از جمله ارزش‌های اخلاقی، حقوقی، شعائری و مناسکی، مصلحت‌اندیشانه، و ناظر به عرف و عادات اجتماعی - را نیز به آن نسبت داد و، بر طبق این ارزش‌های دیگر، به نقد و ارزیابی‌اش نشست؟ پرسش دشوارتر اینک: کدام قسم از این ارزش‌ها به اصطلاح ذاتی هنر اند و کدام عرضی‌آن؟ به بیان دیگر، هنر بودن هر اثر هنری به داشتن کدام قسم از این ارزش‌ها است؟ و پرسش ذهن‌سوزتر آنکه: به وقت تعارض میان این ارزش‌ها در عالم هنر چه باید کرد؟

قدرت هنر - اگر قدرتی دارد - ناشی از چیست؟ برخی معتقد اند که در قدرت اثرگذاری هنر بر حیات آدمی مبالغه‌ها شده است و برخی، به عکس، بر آن اند که این قدرت چنان که باید به جد گرفته نشده. کدام سوی این نزاع برحق است؟ آیا هنر قدرت شناخت بخشی دارد؟ بالاتر از آن، آیا هنر می‌تواند شناخت‌هایی به ما ببخشد که از هیچ راه دیگری نمی‌توانیم کسبشان کرد؟ درباره استعداد و قدرت هنر در فریفتن مخاطبان و ایجاد جهل مرکب چه باید گفت؟ آیا، در کمال شگفتی، باید تصدیق کنیم که هنر هر دو قدرت را دارد؟

معرفت بخشی و یا جهل‌افزایی تنها دعاوی معطوف به قدرت هنر نیستند؛ دعاوی اثرگذاری دیگری نیز طرح شده است، از جمله پرورش برخی مهارت‌های ذهنی و روانی. مسئله این است که آیا هنر واقعاً می‌تواند مهارت‌هایی را در آدمیان بپرورد یا نه.

دعوی دیگر در باب قدرت تأثیر هنر بر عواطف آدمی است. در توان هنر در این خصوص تقریباً تا امروز کسی تردید جدی نکرده است؛ آن چه محل مناقشه بوده است میزان و نحوه‌ی این اثرگذاری است. هنر تا چه پایه و مایه می‌تواند در عواطف ما اثر کند و چه عواطفی را در ما بیدار می‌تواند کرد؟

و از همین جا باید پرسید: آیا هنر اولاً و بالذات با وجه احساسی و عاطفی وجود ما سروکار دارد، یا با وجه معرفتی و شناختی وجود ما؟ آیا غرض از هنر آفرینی بالمآل تأثیرگذاری بر ساحت احساسی ما است، یا ساحت معرفتی ما، یا ساحت ارادی ما، و یا ترکیبی از آن‌ها؟

باری، در مجموعه‌ی «هنرشناسی» بنا داریم به مسائل مهمی از این دست بپردازیم و نرم نرمک هم از سویی ادبیات بحث را طرح کنیم و هم از دیگر سو به بررسی مسائل مورد مناقشه دست بچنانیم. به عبارت دیگر، در این مجموعه آثاری گرد خواهیم آورد که، در وهله‌ی نخست، چهارچوب‌های اصلی حوزه‌های هنرشناسی - و در رأس همه‌ی آن‌ها فلسفه‌ی هنر و/یا زیبایی‌شناسی - را می‌کاوند و، در وهله‌ی بعد، به بازپرسی پاسخ‌های تازه به پرسش‌های همچنان‌گشوده می‌پردازند. با دا که چنین باشد.

فهرست

۱	پیش‌گفتار
	بخش اول: هوسرل و پدیدارشناسی پس از او
۷	فصل اول: نگاهی به مضامین مهم پدیدارشناسی هوسرل
۱۰	قصدیت نزد برنتانو
۱۲	بازگشت به سوی خود چیزها
۱۳	اپوخه و تحویل
۱۷	قصدیت نزد هوسرل
۲۵	پی‌نوشت‌ها
۲۷	فصل دوم: پدیدارشناسی هرمنوتیکی هنر
۳۸	پی‌نوشت‌ها
۳۹	فصل سوم: مایکل دوفرن و پدیدارشناسی تجربه زیباشناختی
۴۵	جمع‌بندی
۴۷	منابع بخش اول
۴۸	کتاب‌شناسی

بخش دوم: پدیدارشناسی هرمنوتیکی هنر

- فصل اول: نگاهی به بن‌مایه‌های هوسرلی پدیدارشناسی هایدگر - - - - - ۵۱
- پدیدارشناسی وجود به‌جای پدیدارشناسی آگاهی - - - - - ۵۳
- پدیدارشناسی در کتاب مسائل بنیادین پدیدارشناسی - - - - - ۵۸
- پدیدارشناسی در دوره متأخر اندیشه هایدگر - - - - - ۶۰
- سوبژکتیویته استعلایی: دازاین به‌جای سوژه آگاهی - - - - - ۶۰
- زمان و زمانمندی؛ زمانمندی دازاین به‌جای زمانمندی آگاهی - - - - - ۶۵
- زیست‌جهان هوسرل و جهان هایدگر - - - - - ۶۹
- پی‌نوشت‌ها - - - - - ۷۵
- فصل دوم: هایدگر و تحلیل هرمنوتیکی-پدیدارشناختی هنر - - - - - ۷۷
- استتیک (زیباشناسی) چیست؟ - - - - - ۸۰
- نقد هایدگر به استتیک (زیباشناسی) - - - - - ۸۳
- سراغاز اثر هنری؛ راهی به‌سوی مواجهه غیراستتیکی به هنر - - - - - ۹۱
- تحلیل پدیدارشناسانه نقاشی ونگوگ - - - - - ۹۳
- پیکار عالم و زمین - - - - - ۹۴
- نگاهی به یک مناقشه - - - - - ۱۰۰
- شعر و حقیقت هنر - - - - - ۱۰۵
- پی‌نوشت‌ها - - - - - ۱۱۲
- فصل سوم: رویارویی هایدگر با هنر مدرن - - - - - ۱۱۵
- آشنایی هایدگر با هنر مدرن - - - - - ۱۱۸
- اهمیت هولدرلین - - - - - ۱۱۹
- مواجهه با ریلکه - - - - - ۱۲۴
- مواجهه با سزان - - - - - ۱۲۷
- مواجهه با کله - - - - - ۱۲۸
- جمع‌بندی - - - - - ۱۳۳
- پی‌نوشت‌ها - - - - - ۱۳۵
- منابع بخش دوم - - - - - ۱۳۸

بخش سوم: سارتر و پدیدارشناسی اگزیستانسیالیستی هنر و ادبیات

فصل اول: اگزیستانسیالیسم پدیدارشناسانه سارتر؛ با نگاهی به رمان تهوع

و کتاب هستی و نیستی - - - - - ۱۴۹

نگاهی به رمان تهوع - - - - - ۱۵۰

وجود فی نفسه، لنگسه و لغیره - - - - - ۱۵۴

پدیدارشناسی نگاه و شرم - - - - - ۱۵۸

پیوند میان اختیار و نیستی - - - - - ۱۶۱

مضامین پدیدارشناسانه در اندیشه سارتر - - - - - ۱۶۵

پی‌نوشت‌ها - - - - - ۱۷۰

فصل دوم: پدیدارشناسی اگزیستانسیالیستی ادبیات نزد سارتر؛

بررسی کتاب ادبیات چیست؟ - - - - - ۱۷۱

سارتر و گشودن راهی میان ادبیات و فلسفه - - - - - ۱۷۴

اندیشه متأخر سارتر - - - - - ۱۷۶

ادبیات چیست؟ - - - - - ۱۷۸

نوشتن چیست؟ - - - - - ۱۷۸

نوشتن برای چیست؟ - - - - - ۱۸۲

نوشتن برای کیست؟ - - - - - ۱۸۵

پی‌نوشت‌ها - - - - - ۱۹۷

فصل سوم: سارتر و هنر - - - - - ۱۹۹

جهان تخیل - - - - - ۱۹۹

هنرهای تجسمی - - - - - ۲۰۲

سایر هنرها - - - - - ۲۰۷

جمع‌بندی - - - - - ۲۱۱

پی‌نوشت‌ها - - - - - ۲۱۵

منابع بخش سوم - - - - - ۲۲۳

پیش‌گفتار

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین جریان‌های فلسفی قرن بیستم پدیدارشناسی است که ادموند هوسرل، فیلسوف بزرگ آلمانی (۱۸۵۹-۱۹۳۸)، آن را بنیان گذاشت و به‌شدت حوزه‌های مختلف فکر و فلسفه و فرهنگ را تحت تأثیر قرار داد؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از اندیشمندان به‌صراحت به تأثیرگذاری بی‌بدیل آن اذعان کرده‌اند. برای مثال، پروفیسور دریفوس فهم فلسفه قرن بیستم اروپا را فقط با مراجعه به آرای هوسرل امکان‌پذیر می‌داند و هربرت دبلیو اشنایدر می‌گوید تأثیر هوسرل فلسفه‌های قاره‌ای اروپا را زیرورو ساخته است.

اگرچه پدیدارشناسی پس از هوسرل دستخوش تغییراتی اساسی شد، فهم این تغییرات بدون شناخت عناصر و مؤلفه‌های مهم اندیشه بنیان‌گذار آن ممکن نخواهد بود. ازاین‌رو، در کتاب حاضر که تأثیر پدیدارشناسی را در تفسیر هنر، از منظر چند تن از پدیدارشناسان مشهور قرن بیستم، تحلیل می‌کند، نخست برخی مضامین بنیادین پدیدارشناسی هوسرل را بررسی اجمالی می‌کنیم و کلیدواژه‌های مهم آن را شرح می‌دهیم. در فصل اول، روشن خواهد شد که محور اصلی فلسفه و روش پدیدارشناسی هوسرل مطالعه در باب ذات آگاهی و توصیف چگونگی معنا یافتن جهان و قوام آن معنا در آگاهی است. همچنین، درباره‌ی تحویل و قصدیت توضیحاتی ارائه می‌دهیم که از مهم‌ترین آموزه‌های هوسرل بوده است و می‌توان آنها را جوهره پدیدارشناسی وی دانست. همچنین، گفته خواهد شد که هوسرل با انجام اپوخه (تعلیق حکم به وجود یا عدم وجود جهان عینی) و تحویل (بازگشت به

سرچشمه‌ها و به خود چیزها) پدیدارشناس را قادر می‌کند که از رویکرد طبیعی فاصله بگیرد و به شیء، چنان‌که در تجربه داده می‌شود، بازگردد. قصدیت نیز، به‌عنوان خصلت بنیادین آگاهی، نشان می‌دهد آگاهی جهان را همواره به‌نحو التفاتی درک می‌کند. یعنی آگاهی همواره آگاهی از چیزی یا به‌سوی چیزی است، هرچند تعلق آگاهی نه خود شیء، بلکه معانی و ساختارهای آن (نوئما) است که همواره با شرایط آگاهی همبسته آن (نوئزیس) همراه می‌شود.

از آنجاکه توجه کتاب حاضر به پدیدارشناسی هنر معطوف است، بخش‌های اصلی کار به تحلیل برخی از مشهورترین نگرش‌ها به هنر از منظر پدیدارشناسی اختصاص یافته است. از این‌رو، پس از مرور مختصر پدیدارشناسی پسا‌هوسرلی، با اشاره به اندیشه‌های اینگاردن، مرلوپونتی، ماکس شلر و ...، به اختصار آرای دوفرن در باب هنر بررسی خواهد شد که، علی‌رغم نقدهایش به هوسرل، عمدتاً در سنت پدیدارشناسی او می‌اندیشد.

فصل دوم به پدیدارشناسی هرمنوتیکی هنر نزد هایدگر اختصاص دارد. از آنجاکه هایدگر پدیدارشناسی را در مکتب هوسرل آموخت، بهتر است، قبل از ورود به بحث هنر، برخی مبانی هوسرلی پدیدارشناسی هایدگر نشان داده شود. اگرچه پدیدارشناسی هوسرل، همان‌طور که خود در مقدمه جلد دوم پژوهش‌های منطقی توضیح داده است، پدیدارشناسی آگاهی و تجربه‌های زیسته آگاهی و مبدل کردن افعال زیسته به ابژه‌های ادراکی است و موضوع بحث در پدیدارشناسی هایدگر، در کتاب وجود و زمان، نه آگاهی با ساختارهای قصدی آن، بلکه پاسخ به پرسش از وجود به‌طور کلی است که آن هم از طریق پدیدارشناسی دازاین به‌نحو هرمنوتیکی ممکن می‌گردد، لکن در این قسمت تلاش می‌کنیم نشان دهیم، علی‌رغم تفاوت‌های بنیادین میان هوسرل و هایدگر، می‌توان بسیاری از بن‌مایه‌های تفکر هوسرل را در مهم‌ترین اندیشه‌های هایدگر، مانند زمانمندی دازاین، استعلای دازاین، در-جهان-بودن دازاین و ... مشاهده کرد.

سپس، به‌ترتیب رویکرد پدیدارشناسانه هایدگر به هنر را در دو دوره تفکرش بررسی می‌کنیم و نشان می‌دهیم محور تحلیل‌های هایدگر از هنر، در کتاب سرآغاز اثر هنری، هنر بزرگ است که شأنی غیرزیباشناسانه دارد و محل رخداد حقیقت

وجود است. در این کتاب، هنر مدرن نمایانگر غلبه تلقی استتیک از هنر به حساب می‌آید که نهایتاً به مرگ هنر بزرگ منجر می‌شود.

در بخش بعدی این فصل، روشن می‌شود که دیدگاه هایدگر پس از آشنایی با آثار برخی هنرمندان مدرن، به‌ویژه نقاشی‌های سزان و کله و نیز شعر ریلکه، تغییر می‌کند و او از منظری نو به هنر مدرن می‌نگرد و آن را تحلیل می‌کند و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که هنر مدرن نیز این قابلیت را دارد که امکان سکنی‌گزیدن آدمی را در قرب وجود فراهم آورد و بی‌خانمانی انسان معاصر را چاره‌کند و لذا می‌توان برخی از این آثار را در زمره هنر بزرگ به حساب آورد.

فصل سوم و پایانی به پدیدارشناسی اگزیستانسیالیستی سارتر و تأثیر آن در نحوه مواجهه‌اش با هنر و به‌خصوص ادبیات اختصاص دارد. سارتر نویسنده، فیلسوف و منتقد مشهور فرانسوی است که شهرتش بیش از آنکه به‌واسطه اندیشه‌های فلسفی‌اش باشد، مدیون آثار ادبی متعددی، از جمله چند نمایشنامه، است که در ادوار مختلف حیات فلسفی و سیاسی-اجتماعی خود نگاشته است. سارتر را می‌توان اولین فیلسوف فرانسوی دانست که به پدیدارشناسی روی آورد و آن را با اندیشه‌های اگزیستانسیالیستی خود در هم آمیخت و نوعی اگزیستانسیالیسم پدیدارشناسانه خاص عرضه کرد؛ هرچند بنا به نظر بسیاری از شارحان، برخلاف رلوپوتی، نتوانست بیان روشمندی از پدیدارشناسی خود ارائه کند.

در این فصل، نخست به رویکرد پدیدارشناسانه اگزیستانسیالیستی سارتر به انسان و جهان می‌پردازیم، بدین منظور که برخی نتایج حاصل از این مواجهه آشکار شود. مبنای این مطالعه دو اثر مشهور وی در دوران پیشامارکسیستی اندیشه‌اش است، یعنی رمان تهوع و کتاب هستی و نیستی. سپس، در بخش بعد، رویکرد پدیدارشناسانه و اگزیستانسیالیستی وی را به ادبیات، در کتاب *ادبیات چیست؟*، پی می‌گیریم که مانیفست ادبیات متعهد در قرن بیستم نامیده شده است و نشان خواهیم داد برای سارتر که جهان را بدون ادبیات و هنر عبث می‌داند و بخش مهمی از اندیشه‌های فلسفی خود را در قالب ادبیات، اعم از رمان، داستان و نمایشنامه، عرضه کرده است، هنر، به‌طورکلی، و ادبیات، به‌طورخاص، روشن‌ترین نمودهای انتخاب اگزیستانسیال انسان

محسوب می‌شوند که می‌توانند با انعکاس وضعیت‌های سیاسی و اجتماعی جوامع مختلف، انگیزه‌هایی قوی برای کنش مخاطبان فراهم آورند. وی در کتاب *ادبیات چیست؟*، علاوه بر ارائه تحلیلی فلسفی از نقش و جایگاه ادبیات در تحولات جامعه و همچنین بسط مبانی انسان‌شناسی فلسفی خود، پیوند وثیق میان ادبیات و فلسفه را در صورتی نو نمایان می‌سازد و ارتباط و تعاملی دیالکتیکی بین نوشتن و خواندن و مؤلف و مخاطب ایجاد می‌کند و نقش نویسنده داستان را در آشکارسازی جهان روشن می‌کند.

بخش آخر درباره نگاه سارتر به هنر در وجه عام تقریر شده است که موجب می‌شود خواننده با نگاه پدیدارشناسانه سارتر درباره نقش تخیل و عالم خیال در خلق آثار هنری و نیز دیدگاه وی در مورد هنرهایی چون نقاشی، مجسمه‌سازی و ... آشنا شود.

ذکر این نکته را لازم می‌دانم که برخی مقالات نگارنده در حوزه پدیدارشناسی، و به‌ویژه پدیدارشناسی هنر، که طی چند سال اخیر در نشریات مختلف به چاپ رسیده، مبنای شکل گرفتن بخشی از محتوای کتاب حاضر است. هرچند برای استفاده از آنها، تغییرات بسیاری از حیث محتوا و فرم صورت گرفته و بسیاری مطالب اصلاح، تدقیق و تکمیل شده است. بخش‌هایی نیز چه به صورت مستقل، مانند جریان‌ات پسا هوسرلی، و چه به صورت اضافات تکمیلی، به مباحث افزوده شده است. امید که این مختصر بتواند برای دانشجویان و علاقه‌مندان به پدیدارشناسی سودمند باشد و فتح بابی شود برای پژوهش‌های عالمانه در حوزه پدیدارشناسی هنر.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از همکار ارجمندم، جناب آقای دکتر محسن کرمی، که با پیگیری‌های مجدانه خود مشوق نگارنده برای تدوین به‌موقع کتاب بود تشکر کنم. همچنین، از دست‌اندرکاران نشر کرگدن برای همکاری‌شان در انتشار کتاب صمیمانه سپاسگزارم.